

شبه قیمومیت از شانناژ تا اکراه

وزارت های دفاع، داخله، مالیه و خارجه، چهار وزارت کلیدی در هر حکومت را تشکیل میدهند. به همین دلیل احزاب برنده در انتخابات، این چهار وزارت را همیشه برای اعضای خویش اعتماد نموده، و بدینگونه تمام عملکردهای را که برای حکومت سرنوشت ساز اند، اداره و کنترل مینمایند.

وزارت دفاع، همانطوریکه از نامش هویداست، وظیفه دفاع از کشور را در برابر حملات احتمالی نیروهای خارجی و وزارت داخله، تأمین امنیت داخلی را عهده دارند. وزارت امور خارجه وظیفه تأمین روابط و چگونگی جستجوی منافع در سطح بین المللی و وزارت مالیه، مسئولیت دخل و خرج دولتها را به عهده دارند. این خصوصیت وزارت های دول مستقل است.

اما در کشور های غیر مستقل و تحت قیمومیت تمام امور یا به صورت قسمی و یا هم به صورت کلی توسط خارجی ها اداره و کنترل شده، دولت های تحت قیمومیت مکلف به اخذ استیذان دول و یا مؤسسات قیم یا اداره کننده در عملکردهای خویش اند.

اصطلاح قیمومیت، به مفهوم اتخاذ تدابیریکه توسط قاضی اعلان و به قیم اجازه سرپرستی شخص بالغ فاقد توانائی های عقلی و یا فیزیکی و یا اطفال و مراهقین بدون سرپرست را اعطا مینماید، در قوانین مدنی اکثر کشور ها منجمله قانون مدنی افغانستان نیز به همان مفهوم انعکاس یافته است.

ولی قیمومیت برای اولین بار در منشور سازمان ملل متحد منحصی اصطلاح سیاسی تحت عنوان نظام قیمومیت به کار برده شد.

ماده ۷۳ منشور سازمان ملل متحد چنین مشعر است:

(اعضای ملل متحد ... مسوولیت اداره سرزمین هایی را که مردم آن هنوز به درجه کامل حکومت خودمختاری نایل نشده اند برعهده دارند یا به عهده می گیرند....)

در ماده ۷۵ منشور میخوانیم:

(سازمان ملل متحد تحت نظر خود یک نظام بین المللی قیمومت برای اداره و سرپرستی سرزمین هایی که ممکن است به موجب موافقتنامه های خاص بعداً تحت اداره آن قرار گیرد برقرار می نماید. این سرزمین ها از این پس به نام سرزمین های تحت قیمومت خوانده خواهد شد)

ماده ۷۶ اهداف اساسی نظام قیمومیت را طور آتی برجسته میسازد:

الف - تحکیم صلح و امنیت بین المللی.

ب - کمک به پیشرفت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی ساکنین سرزمین های تحت قیمومت و پیشرفت تدریجی آنان به سوی حکومت خود مختاری یا استقلال برحسب اقتضا با توجه به اوضاع و احوال خاص هر سرزمین، مردم آن و تمایلات مردم مزبور که به نحو آزادانه ابراز شده باشد و بر طبق مقرراتی که ممکن است در هر قرارداد قیمومت پیش بینی شده باشد.

ج - تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی های اساسی برای همه بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب و تشویق شناسایی این معنی که ملل جهان به یکدیگر نیازمند می باشند.

د - تأمین رفتار یکسان در امور اجتماعی، اقتصادی و تجاری برای تمام اعضای ملل متحد و اتباع آنها و همچنین رفتار یکسان در اجرای عدالت برای اتباع مزبور بدون آنکه به حصول هدف های مذکور خللی وارد شود.

مطابق به حکم ماده ۸۱ مقام اداره کننده (ممکن است يك یا چند دولت یا خود سازمان باشد)

اگر ماده ۷۸ (نظام قیمومت شامل سرزمین هایی نیست که به عضویت سازمان ملل متحد در آمده اند و روابط بین آنها براساس احترام به اصل تساوی حاکمیت می باشد) را حذف نمایم، تمام مشخصات یک دولت تحت قیمومیت را در افغانستان میتوان جستجو کرد، عدم مشروعیت دولت تحت رهبری آقای کرزی فرصت نیست که میتوان از آن در جهت

د پانو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

نادیده انگاشتن ماده ۷۸ استفاده کرد.

از این تعاریف، شروط و پیشبینی ها که بگذریم، زمانیکه مسایل مربوط به امنیت داخلی و امور مالی نیز تحت اداره مؤسسات خارجی قرار گیرند، موضوع از قیومیت فراتر رفته، استقلال و حاکمیت تحت سؤال قرار گرفته، کلمه اشغال کاربرد پیدا میکند تا قیومیت.

افغانستان کشور است که امنیت داخلی و خارجی آن توسط قدرتهای خارجی اداره و کنترل میشود. کشور های ذینفع نیز پس از استیذان و چراغ سبز اضلاع متحده امریکا در جستجوی تأمین روابط با افغانستان میبایند. یگانه امری که به حاکمیت و استقلال دولت مفهوم میبخشد، کنترل دخل و خرج دولتست که به وزارت مالیه محول گردیده است.

از جانب دیگر خارجی ها امروزه علناً در نقش رهبری کننده عمل، خط مشی دولت را تعیین و پیش شرط هایی را در نظر گرفته، به دولت اخطار میدهند که در صورت عدم عمل مطابق میل ایشان، آنها از دوام مساعدتها اباء ورزیده و نمایندگان آنها آواز بلند نموده، تهدید نیز مینمایند که در صورت خروج قوتهای خارجی، دولت افغانستان ظرف چند ساعتی به دست مخالفین سقوط خواهد کرد.

دیپلوماسی افغانستان وظیفه دارد تا به ایشان تفهیم نماید که ضعف نظامی دولت افغانستان در برابر مخالفینی که روز تا روز قویتر میشوند ناشی از عملکرد ضعیف بزرگترین ماشینهای جنگی دنیاست که شغالهای آنها هم شیر میگردند.

حصول اطمینان از مبارزه با فساد، بدون کنترل امور اداری و مالی ادارات ناممکن است. کنترل مساعدتهای مالی قطعاً به مفهوم اداره مستقیم کشور است؛ زیرا وزارت مالیه بودجه عادی و انکشافی تمام واحد های بودجوی دولت در سطح مرکز و ولایات را از طریق حصول مساعدتهای خارجی و عواید داخلی که در برابر مصارف خیلی ناچیز و حتی غیر قابل مقایسه اند، تأمین مینماید. بررسی چگونگی مصرف مساعدتها که ایجاب کنترل و اداره ادارات تا پائینترین سطوح را مینماید به مفهوم حاکمیت کامل اجانب بر کشور خواهد بود. طی هشت سالیکه گذشت، افغانستان با تفویض صلاحیت اداره امور دفاعی، امنیتی و خارجی به اجانب عادت نموده است، ولی با تفویض صلاحیت اداره و کنترل امور مالی به نمایندگان کشور های مساعدت کننده، کاملاً استقلال و حاکمیت خویش را از دست خواهد داد.

نباید فراموش کرد که رهبران غربی، از بارک اوباما تا متحدین اروپائی اش، همه با یکصدا، از آغاز عملیات نظامی در افغانستان تا اکنون، همواره استدلال نموده اند که هدف آنها از لشکرکشی به افغانستان را امحای تروریسم در منطقه تشکیل میدهد تا از تکرار حوادث مشابه به آنچه در یازدهم سپتامبر سال ۲۰۰۱ در نیویورک اتفاق افتاد، جلوگیری نمایند.

تاخیر در اعزام نیرو های اضافی به افغانستان، جنگ روانی دیگریست که بر وضعیت روانی مردم ناشی از تردد در مشروعیت دولت تحت رهبری جلالتماب حامد کرزی سنگینی مینماید.

تائید پیروزی آقای کرزی از جانب کمیسیونی که خود اعضای آنرا انتصاب نموده اند، به مفهوم آنست که کسی از شخص رئیس جمهور در مورد تصدیق و یا عدم تصدیق پیروزی ایشان در انتخابات سؤال نماید، و از اینکه تقلب مفتضحانه در جریان انتخابات مبین میل ایشان بر دستیابی مجدد به قدرت است، جواب سؤال هم همان خواهد که کمیسیون انتخابات به آن پرداخته است.

از جانب دیگر روابط عمیق دوستانه میان جلالتماب حامد کرزی و آقای عزیز لودین، عضو سابقه دار حزب طلبه ساز حرکت انقلاب اسلامی، تحت رهبری مولوی محمد نبی محمدی، از آغاز طرح تأسیس اداره ای تحت نام مبارزه با ارتشاء و فساد اداری، در مخالفت کامل با برنامه های کمیسیون اصلاحات اداری و خدمات ملکی، خود قابل دقت و تعمق است که بعداً به آن خواهیم پرداخت.

بهتر آن بود که مطابق به پیشنهاد اتحادیه اروپا، پس از انصراف جناب داکتر عبدالله از شرکت در دور دوم انتخابات، قوه قضائیه وارد عمل شده، طی اعلامیه ای پیروزی رئیس جمهور را تائید و به دولت تحت رهبری ایشان مشروعیت میبخشید.

طوریکه معلوم میشود کشور های مساعد کننده، در رابطه به مشروعیت و عدم مشروعیت دولتی تحت رهبری آقای کرزی و اهداف نهفته خویش، فرضیه های متفاوت از هم را در نظر گرفته، تاکتیک های خویش را مطابق به آنها عیار نموده اند.

فرضیه اول همان عدم پذیرش مشروعیت ریاست آقای کرزی است. این فرضیه بیشتر به نفع مخالفین دولت افغانستان است که تا هنوز نتوانسته اند اعتماد صد در صد کشور های مساعدت کننده، بخصوص اضلاع متحده امریکا و سازمان ملل متحد را کسب نمایند و به همین علت هنگام اعلام پیروزی آقای کرزی توسط کمیسیون انتخابات، نماینده

د پانو شمیره: له ۲ تر ۴

افغان جرمن آنالین په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولۍ. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

: دلپکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولۍ

های آنها در افغانستان حضور فیزیکی به هم رسانیده، دولت تحت رهبری جلالتمآب حامد کرزی را برسمیت شناختند. ولی بعداً، در ادامهٔ مساعدتها به چانه زنی ها آغاز نمودند و بدینگونه مساعدتهای بدون صفت با اضافهٔ صفت مشروط، تلویحاً اهداف و مقاصد پنهان آنهایی را که تحت بهانهٔ مبارزه با تروریسم به منطقهٔ عسکر فرستاده اند، افشا نمود.

این واقعیت است که بهترین پیشنهاد از جانب اتحادیهٔ اروپا به منظور مشروعیت بخشیدن به حکومت تحت ریاست آقای کرزی ارائه گردیده بود؛ مگر آنچه دولت افغانستان را بیش از قبل به حمایت کشور های غربی متکی میسازد، تصدیق پیروزی از جانب کمیسیون دست نشانده شخص کاندید است. در این حالت مخالفین بر احکام قانون اتکا نموده، حکومت را غیر مشروع معرفی نموده، والیان ولایات و سران قومی ایکه در جریان انتخابات از نامزدی شخص دیگری به غیر از رئیس جمهور حمایت نموده اند، از اجراء و تطبیق اوامر و احکام صادره از مرکز سرپیچی نموده، به یکنوع خودمختاری دست میابند و این امر به همان استراتژی خاورمیانهٔ بزرگ کمک میکند. شاید جناب داکتر عبدالله، نامزد قبلی ریاست جمهوری، بیشتر از سایرین به وخامت امر پی برده اند که نه تنها با این گفته که در بیرون از حکومت، منحنی مخالف باقی خواهند ماند، تلویحاً حکومت تحت رهبری آقای کرزی را میپذیرند؛ بلکه از امکان سقوط افغانستان به دست طالبان، به تعقیب خروج قوتهای خارجی، ابراز نگرانی نیز مینمایند. زیرا در صورت سقوط کابل به دست طالبان، استاد عطا محمد نور در رأس نیروهای مخالفی که در برابر طالبان خواهند جنگید، قرار خواهد گرفت و در صورت شکلگیری اوضاع به گونهٔ اعلان مناطق خودمختار، باز هم استاد عطا محمد نور و سایر قوماندانان سابق، در رأس نیرو ها قرار گرفته، بصورت غیر قابل تصور از نقش مسئولین امور سیاسی به نفع مسئولین امور نظامی کاسته خواهد شد. بناءً نمیتوان به شایعاتی مبنی بر تلاش جناب داکتر عبدالله به تضعیف حکومت مرکزی که به خودمختاری بعضی از مناطق خواهد انجامید، باور کرد؛ زیرا تنها مشروعیت بخشیدن به حکومت تحت ریاست آقای کرزی بقای جناب داکتر عبدالله را در رأس نیروی عمدهٔ مخالفین تضمین خواهد کرد.

و اما فرضیهٔ دوم که کمترین طرفدار را نزد مخالفین دولت دارد، تزریق مشروعیت حکومت تحت رهبری آقای کرزی در اذهان است. این فرضیه ایست که بیشتر مد توجهٔ استراتژیست های غربی و طراحان خاور میانهٔ بزرگ قرار دارد.

آنها از قبل همکاری غیر مستقیم آقای داکتر عبدالله را غرض تزریق مشروعیت حکومت تحت رهبری آقای کرزی در اذهان عامه، منحیث فرضیه ای عمده شامل محاسبات خویش نموده اند و به همین دلیل هم شروطی را در برابر دولت افغانستان قرار داده اند که نه تنها تحقق آنها دشوار است؛ بلکه دوام مساعدتها بستگی به تحقق آنها دارد. باوجود آنکه وزارت امور خارجه، شروط کشور های خارجی کمک کننده به افغانستان را مداخله در امور داخلی کشور توصیف نموده و، بنا به ادعای بعضی ها، از آن انتقاد نمود؛ مگر در پاراگراف های اخیر اعلامیه، به تحقق همان شروط مطروحه از جانب کشور های کمک کننده تعهد سپرده شده و آقای کرزی، در مراسم تحلیف خویش به آنها سر تسلیم نیز گذاشت. در حالیکه وزارت امور خارجهٔ افغانستان میتواندست، متکی به اسناد معتبر، که امروزه، به کمک تکنولوژی پیشرفتهٔ ارتباطی، دستیابی به آنها چه به شکل سمعی، چه بصری و چه کتبی خیلی ساده گردیده است، سخنان نمایندگان دول کمک کننده را، که هر کدام دلیل لشکرکشی های خویش را مبارزه با تروریسم و جلوگیری از شکلگیری مجدد آن عنوان نموده اند، اساس قرار داده، به ایشان تفهیم مینمود که این دولت افغانستان است که حضور نظامی کشورهای متذکره را در سرزمین تحت حاکمیت خویش حمایت نموده و بر داعیهٔ آنها دال بر مبارزه با تروریسم مهر صحه گذاشته است. آنها نباید فراموش کنند که ایشان بخاطر تعقیب هدف واحدیکه در محور بقایای القاعده و تروریسم خلاصه میشود، به منطقه آمده اند، نه بخاطر مبارزه با فساد.

مضحک تر از همه اینکه، آنها بر دولت افغانستان فشار آورده اند تا با آنانیکه بیگناه ترین انسانها را در برابر کمره ها گردن میبرند، قدرت را تقسیم نماید و در مقابل، ضعیف ترین های که شاید صرف بخاطر پرنمودن شکم های گرسنهٔ خود و اعضای فامیل خویش و یا هم تحت هدایت مقامات بالائی، به دستبازیهای مبادرت ورزیده اند، تحت نام مبارزه با فساد، قربانی شوند.

از جانب دیگر، کشور های غربی به منظور رفع مسئولیت ها، به تلاش های دولت در زمینهٔ مبارزه با فساد راضی خواهند شد و رئیس جمهور امریکا که شاید فیصلهٔ نهائی خویش مبنی بر اعزام عساکر اضافی را، به خاطر ترتیب لست والیان شایسته، جهت مساعدت مستقیم به ایشان، معطل قرار داده است، تا به یکبارگی مستقیماً با سران اقوام و والیان ولایات در تماس شده، نقش دولت مرکزی را تا سرحد خودمختاری مناطق مختلف، تضعیف نماید.

تخصیص ۳۸ میلیون دالر از جانب امریکا را برای تشویق ولایاتیکه در مبارزه با کشت خشخاش از خود شایستگی نشان داده اند، میتوان به عنوان نخستین گام در اینجهت یادآور شد.

ولایاتی چون هلمند، فراه، و بخصوص نیمروز از جمله ولایاتی اند که تقرر در پست های چون ولایت و قوماندانی امنیه آنها بدون سرقلفی ها ناممکن است. کلید آنها نیز بدست کسانپست که در شرایط کنونی نمیتوان از چنگال آنها بیرون کرد. تنها تقرر در یکی از پست های متذکره بخصوص در ولایت نیمروز، ده ها میلیون دالر رشوه میطلبد. بناءً ۳۸ میلیون دالر تشویقی نه تنها رشد متوازن اقتصادی را که درج مواد قانون اساسی نیز گردیده است، زیر سؤال میبرد؛ بلکه عملاً ولایات شمالی را در برابر ولایات جنوبی قرار میدهد، و والیان ولایات نیز بصورت مسقیم با سفارت امریکا در تماس شده، از اهمیت دولت مرکزی کاسته میشود.

فرضیه سوم، تحریک ضد نظام از درون نظام است. کشورهای مساعدت کننده درک نموده اند که ترکیب موزائیک نظام از مجاهدین سابق، تکنوکراتها، کمونیستان سابق، نماینده های قومی و منطقه ای بسیار شکننده است و این قدرت نظامی قوی چون ناتوست که همانند سرپوشی، به منظور دستیابی به اهداف پنهان خویش، همه ای نیرو های افغانی را زیر چتر سیستم واحدی بنام دولت قرار داده است. هرگاه ناتو از مقام صلح کننده میان رقبا در مسند تماشاجی قرار گیرد، نیرو های شامل در نظام یکی دیگر خود را خواهند خورد. این ارزان ترین طریقه برای دستیابی به طرح های غریبان است، ولی از اینکه برگشت مجدد افغانستان به وضعیت قبل از مداخله نظامی امریکا متصور است، بناءً کشورهای غربی ترجیح داده اند تا در مقام حکم ظاهر شوند، تا صالح.

تخصیص بودجه های تشویقی و هیاهوی قاطعیت مبارزه در برابر فساد اداری بالاخره رقبای سیاسی درون نظام را بجان هم افکنده و هرکدام را با توسل به نسبت دادن های مستند فساد به یکدیگر تشویق خواهد کرد و در نتیجه، نظام از درون منفجر شده، هر پارچه آن ادعای خودمختاری را نموده، آتشی افروخته خواهد شد که بدون حکمیت مشتعل کننده آن خاموش نخواهد شد.

بناءً، تاکتیک های متفاوت، هدف واحدی را تعقیب مینمایند که در هر حالت، نه تنها به نفع افغانستان نیست؛ بلکه بیشترین صدمه را به کشورهای همجوار وارد خواهد نمود.

سراسیمگی مقامات پاکستانی تا سرحد دعوت از رهبران بلوچ غرض مذاکره به تعقیب سفر صدراعظم هند به اضلاع متحده امریکا و عقب نشینی روسیه از حمایت از جمهوری اسلامی ایران، که شاید در بدل وعده های از جانب قصر سفید صورت گرفته باشد، دلایلی روشنیست از تغییرات احتمالی اوضاع در منطقه.

از هیاهوی وجود لانه های تروریستی در افغانستان تا تقلب در انتخابات و فساد اداری در دستگاه دولتی شانناژ های اند که استراتژیست های خاورمیانه بزرگ به آنها توسل جسته و با تمثیل تمایل به خروج قوتهای خویش، ملت افغانستان را تحت اکراه قرار داده اند تا به اهداف آزمندانه خویش نایل آیند.

پایان